

مقاله پژوهشی

اصیل

Original

Article

نیازهای دسته الف مورای در کودکان ۳ تا ۱۰ ساله مادران شاغل و خانه‌دار

دکتر عصمت دانش*، نرگس سلیمی نیا**

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه نیازهای دسته الف هنری مورای (نیاز به پیشرفت، اکتساب، پرخاشگری، سازندگی، جبران و تلافی، سلطه‌گری، ارایه و بیان، شهرت، و فهمیدن) در کودکان ۳ تا ۱۰ ساله مادران شاغل و خانه‌دار انجام شده است.

روش: در یک بررسی علی-مقایسه‌ای و پس‌رویدادی ۵۰ کودک از هر گروه به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش آزمون اندریافت کودکان (CAT) بود که در شرایط کنترل‌شده به صورت انفرادی اجرا گردید. داده‌ها به کمک تحلیل پراکنندگی تکرارسنجش و آزمون LSD تحلیل شدند.

یافته‌ها: این بررسی نشان داد که شدت نیاز به اکتساب ($p < 0/001$) و سازندگی ($p < 0/001$) در کودکان مادران شاغل بیشتر از کودکان مادران خانه‌دار است. شدت نیاز به شهرت ($p < 0/001$) و فهمیدن ($p < 0/001$) در کودکان مادران خانه‌دار بیشتر از کودکان مادران شاغل بود و شدت سایر نیازهای دسته الف (پیشرفت، پرخاشگری، جبران و تلافی، سلطه‌گری، ارایه و بیان) در بین کودکان دوگروه تفاوت نداشت.

نتیجه‌گیری: شدت نیاز به اکتساب و سازندگی در کودکان مادران شاغل و شدت نیاز به شهرت و فهمیدن در کودکان مادران خانه‌دار بیشتر است.

کلیدواژه: نیازهای کودکان، مادران شاغل، مادران خانه‌دار، آزمون CAT

مقدمه

بیشتر نظریه‌پردازان میزان توجه به نیازهای کودکان و شیوه‌های برآوردن آنها را از سوی مادر تحلیل نموده، بر این باورند که رویدادهای دوران کودکی با وضعیت‌های ذهنی، عزت نفس، شخصیت دوران بلوغ و هم‌چنین الگوهای رفتاری در بزرگسالی رابطه دارد (هافمن^۱، ۱۹۹۱؛ داکت^۲ و ریچاردز^۳، ۱۹۹۵). در این میان، مورای^۴ بیش از هر

با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر و نیاز روزافزون جامعه به نیروهای انسانی و به دنبال آن اشتغال بیشتر زنان، ایجاد فضای سالم برای رشد و پرورش فرزندان شایسته برای فردای جامعه به کمک آگاهی‌های لازم برگرفته شده از یافته‌های پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

* دکترای تخصصی روانشناسی، دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی. تهران، ولنجک، بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روانشناسی و

E-mail: esmat_danesh@yahoo.com

علوم تربیتی، فاکس: ۲۹۹۰۲۳۶۵-۰۲۱ (نویسنده مسئول).

** کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت. مرکز خدمات روانشناسی و مشاوره دانشگاه شهید بهشتی.

اختصاص دهند (هندرسون^۹، ۱۹۹۰). ملامحمد رحیمی (۱۳۸۰) نشان داد که هرچند فرزندان زنان خانه‌دار بسیار کمتر از فرزندان زنان شاغل بیمار می‌شوند، بیماری‌های فرزندان زنان خانه‌دار مزمن‌تر است. یافته دیگر پژوهش یادشده نشان داد که میانگین معدل نمره‌های درسی فرزندان زنان شاغل بیشتر از میانگین معدل نمره‌های درسی فرزندان مادران خانه‌دار است.

پژوهش دیگری تأثیر اشتغال مادران به کار و نیز کسب درآمد آنان را بر موقعیت آنان در خانواده مورد بررسی قرار داد و نشان داد که اشتغال زنان باعث می‌شود که سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها به آنان اختصاص یابد که بر خودباوری و شیوه فرزندپروری آنها تأثیر مثبتی دارد (دانش، ۱۳۸۰، ۱۳۸۲).

هاستون^{۱۰} و آرونسون^{۱۱} (۲۰۰۵) میزان حساس بودن به نیازهای کودکان و کیفیت تعامل با آنها را طی سال اول زندگی در ۵۸۰ مادر شاغل با ۴۷۳ مادر خانه‌دار مقایسه کردند و رشد اجتماعی و هوشی کودکان را در سنین ۱۵ ماهگی، دو و سه سالگی ارزیابی نمودند. آنها تفاوت معنی‌داری در زمینه رشد هوشی و اجتماعی کودکان مادران شاغل و خانه‌دار پیدا نکردند، اما دریافتند مدت زمانی که مادر با کودک سپری می‌کند، عاملی تعیین‌کننده برای ایجاد روابط قوی مادر-کودک نیست، بلکه آنچه در این زمینه با اهمیت است کیفیت این تعامل می‌باشد. به گفته هاستون و آرونسون (همان‌جا)، مادران شاغل با آن که کار می‌کنند بیش از آنچه انتظار می‌رود برای کودکان وقت صرف می‌کنند. آنها با کاستن از اوقات فراغت، فعالیت‌های شخصی، خواب و کارهای خانه، وقت بیشتری را به کودکان اختصاص می‌دهند.

در یک زمینه‌یابی ملی با بهره‌گیری از داده‌هایی که از خانواده‌ها گردآوری شده بود، پژوهشگران دریافتند که الگوهای مادران شاغل متأهل، فعالیت‌های والد-کودک را غنی و پرمایه می‌سازد، که به نوبه خود به رفتارهای بعدی کودکان و پیشرفت تحصیلی آنها وابسته است. یافته‌ها گویای آنند که در خانواده‌های مادران شاغل هر دو والد نسبت به فعالیت‌های خواندن و تکالیف درسی کودکان احساس

نظریه‌پرداز دیگری مفهوم نیازها را مورد تحلیل قرار داده و از آن به‌منظور تبیین انگیزش و رفتار سود برده است. بیست و هفت نوع نیاز ثانویه یا روان‌زادی که برای کاوش شخصیت با آزمون اندریافت موضوعی^۱ (TAT)، توسط مورای در سال ۱۹۳۸ فهرست شده، ممکن است با دوران کودکی او ارتباط داشته باشد؛ اینها می‌توانند عناصری از نیاز به جبران آدلری به خاطر دو نقص بدنی (نا توانی در ورزش‌ها به دلیل فقدان دید سه‌بعدی و لکنت زبان)، حساسیت غیرعادی به خاطر رنج کشیدن‌های مردمان دیگر و احساس طردشدگی از سوی مادر باشند. از میان فهرست نیازهای مورای نیاز به قدرت، پیوندجویی و به‌ویژه نیاز به پیشرفت، بیشترین پژوهش را به خود اختصاص داده است (مورگان^۲، ۱۹۹۵؛ شولتز^۳، ۱۳۷۸).

مورای نیاز را به‌صورت زیر تعریف می‌کند: سازه‌ای به‌عنوان نماینده یک نیرو که ادراک، اندریافت، توجیه عقلی، معنای ضمنی^۴ و عمل را به‌گونه‌ای سازمان می‌دهد که موقعیت ناخشنودکننده موجود را تغییر دهد. بنابراین با هدایت ارگانسیم در راستای جستجوی راه‌های ارضا یا دوری از رویارویی، و یا به‌هنگام رویارویی، با توجه کردن و پاسخ دادن به انواع خاص فشارها (نیروهای محیطی) جلوه‌گر می‌شود. هر نیاز به‌طور مشخص با احساس و هیجان ویژه‌ای همراه است و معمولاً برای رسیدن به هدف خود شیوه‌های معینی را به کار می‌بندد (مورای، ۱۹۴۳).

مک‌کلند^۵ در یک بررسی نشان داد که تفاوت‌های موجود در سطح نیاز به پیشرفت کودکان زیر پنج سال ریشه در شیوه فرزندپروری و نگرش‌های مادران آنها دارد. او در بررسی دیگری پسران هشت تا ده ساله را با استفاده از آزمون TAT، به دو گروه تقسیم کرد و نشان داد که میزان و شیوه تعامل و چشم‌داشت‌های مادران پسرانی که نیاز به پیشرفت زیادی داشتند، متفاوت از مادران کودکانی بود که انگیزه پیشرفت ضعیف داشتند (بارگر^۶، ۲۰۰۰؛ کارور^۷ و شیر^۸، ۲۰۰۰).

اکنون باید دید آیا زنان شاغل با توجه به شرایط و مسئولیت‌های جدیدی که در خارج از خانه بر عهده گرفته‌اند، باز هم می‌توانند به‌عنوان محور عاطفی در خانواده نیازهای شوهر و فرزندان خود را برآورده نمایند؟ پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فرزندان مادران شاغل همیشه تحت‌الشعاع کارهای بیرون از خانه مادر قرار نمی‌گیرند و شاید مادران شاغل زمان بیشتری را برای گذراندن با فرزندانشان نسبت به زنان خانه‌دار

1- Thematic Apperception Test

3- Schultz

5- McClelland

7- Carver

9- Henderson

11- Aronson

2- Morgan

4- connotation

6- Burger

8- Scheier

10- Huston

آزمون یادشده بوده‌اند، شدت و نوع نیازهای دسته الف مورای در فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار مشخص گردید.

برای گردآوری داده‌ها از آزمون اندریافت کودکان (CAT) استفاده شد. این آزمون به سبک آزمون TAT توسط لئوپولد بلاک^{۱۱} و سونیا بلاک^{۱۰} برای کودکان ۳ تا ۱۰ ساله ساخته شده است؛ دارای ده کارت می‌باشد و در آنها به جای تصویر انسان که در ۳۰ کارت آزمون TAT وجود دارد، تصاویر حیوان کشیده شده است. دلیل بهره‌گیری از ده کارت این بود که کودکان فراخنای توجه کوتاه‌تری دارند و از این رو باید کارت‌های کمتری با آنها اجرا شود. هم‌چنین سازندگان آزمون بر این باور بودند که کودکان با تصاویر حیوانات آسان‌تر از تصاویر انسان همانندسازی می‌کنند (مارنات، ۱۳۸۲).

هدف از آزمون CAT نیز مانند TAT کمک به روانشناس برای درک نوع ارتباط کودک با اطرافیان خود و هم‌چنین شناخت نیازها، گرایش‌ها، کشمکش‌ها، رقابت‌ها و یا ترس‌های اوست و به‌علت گنجاندن حیوانات و عاری از فرهنگ بودن، این آزمون در همه فرهنگ‌ها می‌تواند برای کودکان به کار رود (بهرامی، ۱۳۸۲). روش اجرای آزمون CAT با آزمون TAT یکی است، با این تفاوت که در اولی چون آزمودنی‌ها کودکان خردسال هستند باید دستور اجرا با مقطع سنی آنها سازگار شود. توصیه می‌شود با کودکان زیر پنج سال آزمون به صورت بازی انجام شود و دستور اجرا به یک‌باره عرضه نشود. پاسخ کودکان مانند اجرای بزرگسالان دقیقاً باید یادداشت و در پایان، کارت‌ها واریسی شود (بهرامی، ۱۳۸۲).

مراد از مادران شاغل در این پژوهش، مادرانی هستند که دست کم هر روز چهار ساعت در بیرون از خانه در سازمانی خصوصی یا دولتی به کار اشتغال داشته و حقوقی بابت کارشان دریافت می‌کنند. مادران خانه‌دار مادرانی بوده‌اند که به کاری بیرون از خانه اشتغال نداشته، حقوقی دریافت نمی‌کردند.

در این پژوهش رویکرد به کار برده شده برای نمره‌گذاری نیازها و روش تفسیر، رویکرد مورای بود. از نظر مورای نمره‌گذاری به معنای گسترده‌تر آن، تفسیر نیز هست، و بخشی

مسئولیت بیشتری دارند تا خانواده‌هایی که مادر شاغل نیست (زیک^۱، بریانت^۲ و اوسترباکا^۳، ۲۰۰۱).

وینرا^۴، جگر^۵ و هافمن (۱۹۸۸) نشان دادند، شاخص‌های بازدهی نوزادان ۱۸ ماهه با رضایت مادر از مراقبت از کودک و رضایت از نقش و توانایی مقابله‌ای او رابطه دارند و پیش‌بینی‌کننده دل‌بستگی ایمن در کودک هستند. هم‌چنین نتایج پژوهش ریجسویگ^۶، بکر^۷، روت^۸ و کرون^۹ (۲۰۰۴) در مورد ۱۶۰ مادر شاغل پاره‌وقت و ۲۹ مادر شاغل تمام‌وقت که از کارمندان دو شرکت بیمه در هلند بودند، نشان داد که اشتغال تمام‌وقت مادران، بهداشت روانی خانواده را کاهش می‌دهد. ضمن آن که مشاغل پاره‌وقت مادران نه‌تنها می‌تواند تعادلی بین پرداختن به کار و خانواده برقرار کند، بلکه با بالابردن روحیه مثبت در مادران باعث افزایش بهداشت روانی افراد خانواده می‌گردد.

بنابر آنچه گفته شد در این پژوهش نیز تأثیر اشتغال مادران که می‌تواند یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر شکل‌گیری شخصیت کودکان باشد؛ بر شماری از نیازهای "دسته الف مورای" فرزندان آنها بررسی شده است. نیازهای دسته الف مورای به دو دلیل انتخاب شدند. یکی این که در اولویت اول دسته‌بندی نیازهای مورای قرار دارند؛ پس از اهمیت بیشتری برخوردارند. دوم این که در این دسته، نیازهایی مانند نیاز به پیشرفت جای گرفته که بیشترین پژوهش‌ها را چه با آزمون CAT^{۱۱} یا آزمون‌های دیگر به خود اختصاص داده‌اند که می‌توان از آنها به عنوان پیشینه پژوهش سود برد.

این پژوهش برای پاسخ‌گویی به این پرسش انجام شده که شدت کدام یک از نیازهای دسته الف از فهرست نیازهای هنری مورای (نیاز به پیشرفت، اکتساب، پرخاشگری، سازندگی، جبران، سلطه‌گری، ارایه و بیان، فهمیدن) در کودکان مادران شاغل بیشتر از کودکان مادران خانه‌دار است؟

روش

این بررسی از نوع علی-مقایسه‌ای و پس‌رویدادی است. پس از مصاحبه نویسنده اول مقاله با مادر کودک و خود کودک برای گردآوری اطلاعاتی درباره ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و نیز اجرای آزمون CAT به صورت انفرادی برای هر کودک توسط نویسندگان این مقاله که دارای آموزش و تجربه لازم برای اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر

- | | |
|---------------|----------------------------------|
| 1- Zick | 2- Bryant |
| 3- Österbacka | 4- Weinrau |
| 5- Jaeger | 6- Rijswijk |
| 7- Bekker | 8- Rutte |
| 9- Croon | 10- Children's Apperception Test |
| 11- Bellak | |

که به تفسیر اختصاص دارد در درجه نخست به عنوان روشی برای خلاصه کردن و تنظیم داده‌ها و هم‌چنین ارایه پیشنهادهایی برای نتیجه‌گیری درباره شخصیت آزمودنی به‌شمار می‌رود. این روش را می‌توان به‌طور یکسان در مورد TAT و یا CAT به کار برد. مورای یک مقیاس پنج درجه‌ای را پیشنهاد می‌کند که در آن، یک نشان‌دهنده «پایین‌ترین سطح» نیاز و پنج نشان‌دهنده «شکل شدید» نیاز است (برای نمونه در پاسخ به کارت دو هنگامی که آزمودنی بگوید «بچه خرس به‌طور خستگی‌ناپذیری طناب را آن‌قدر کشید تا موفق و برنده شد»، ممکن است به این پاسخ برای نیاز به پیشرفت، درجه پنج تعلق گیرد). افزون بر شدت، نکته دیگری که در درجه‌بندی نیازهای مطرح‌شده در داستان، باید مورد توجه قرار گیرد اهمیت نسبی نیاز یا مرکزیت آن در داستان است. بنابراین برای خلاصه کردن داده‌ها باید شمار دفعاتی که یک نیاز مطرح شده است بررسی شود. هم‌چنین لازم است شدت نسبی هر نیاز و درجه مرکزیت آن برای داستان مورد توجه قرار گیرد. پس از آن که همه داستان‌ها بر پایه مقیاس پنج درجه‌ای نمره‌گذاری شدند، مجموع نیرومندی کلی نیازهای آزمودنی را برای همه داستان‌ها می‌توان به‌دست آورد. مجموع اندازه‌های عددی نیازها را می‌توان با یکدیگر مقایسه و آنها را رتبه‌بندی کرد تا نیرومندی نسبی آنها برای آزمودنی تعیین شود. هم‌چنین می‌توان با تقسیم مجموع ارزش‌های عددی هر نیاز به فراوانی وقوع یا تکرار آن، میانگین نیرومندی هر نیاز را تعیین کرد (مارنات، ۱۳۸۲).

چون این آزمون به روش کمی نمره‌گذاری می‌شود از پایایی و روایی بالاتری نسبت به روش کیفی برخوردار است و با توجه به این که محرک به‌صورت مبهم به آزمودنی ارایه می‌گردد (برخلاف محرک عینی)، پاسخ جعل نمی‌شود و نیازها و فشارها، فراقنی شده و امکان دستیابی به زندگی درونی شخص فراهم می‌شود که از امتیازهای آزمون‌های فراقکن به‌شمار می‌رود. به‌ویژه زمانی که CAT و TAT را متخصصان بالینی کارآزموده برای سنجش مقوله‌های گسترده تشخیصی به کار برده‌اند، تشخیص‌ها در ۷۵٪ موارد درست بوده‌اند. مقایسه یافته‌های آزمون‌های یادشده با داده‌های پرونده‌های بیمارستانی همستگی ۰/۷۸ را نشان داد و نیز زمانی که از متخصصان بالینی کارآزموده خواسته شد که بر پایه داستان‌های TAT هر یک از آزمودنی‌ها را جداگانه توصیف کنند، بین توصیف‌های انجام شده و دیگر توصیف‌های مستقلی

که بر پایه شرح حال موردی به‌دست آمده بود ضریب همبستگی ۰/۸۲ به‌دست آمد (مارنات، ۱۳۸۲).

آزمودنی‌های پژوهش ۵۰ کودک دختر و پسر سه تا ده ساله مادران شاغل و ۵۰ کودک مادران خانه‌دار بودند که به روش در دسترس انتخاب شدند. با در نظر گرفتن متغیرهای کنترل، آزمودنی‌ها این پژوهش از میان کودکانی که همراه با مادرانشان (شاغل/خانه‌دار) برای دریافت خدمات روان‌شناختی به مرکز مشاوره پرتو دانش مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند. این افراد پس از هم‌تاسازی از نظر سن، سن مادر، میزان تحصیلات مادر و پدر و نوع شغل مادر و پدر و شمار فرزندان در خانواده در دو گروه جای داده شدند. کودکانی که بیشتر از ۱۰ سال داشتند و کودکان مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی، اختلال‌های یادگیری و تکلم و نیز موارد بی‌کاربودن پدر، وجود نامادری یا ناپدیری، نداشتن پدر و یا مبتلا بودن پدر یا مادر به روان‌پریشی^۱ سبب حذف آنان از پژوهش می‌گردید.

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش، متغیر اشتغال یا عدم اشتغال مادران به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و نوع و شدت نیازهای دسته الف در فهرست نیازهای مورای در شکل‌گیری شخصیت کودکان ۳ تا ۱۰ ساله مادران شاغل و خانه‌دار به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌شونده در نظر گرفته شده‌اند.

سن آزمودنی‌ها، سن و میزان تحصیلات مادران آنها، میزان تحصیلات و وضعیت شغلی پدران و شمار فرزندان در خانواده به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده، در نظر گرفته شده‌اند که به روش هم‌تاسازی، تأثیر ناخواسته آنها بر متغیرهای وابسته تعدیل شده است.

داده‌ها به کمک آزمون تحلیل پراکنندگی تکرار سنجش^۲ و LSD^۳ تحلیل گردیدند.

یافته‌ها

در جدول ۱ داده‌های مربوط به سن کودکان و مادران آنها در دو گروه به همراه نتیجه آزمون t مستقل نشان داده شده است. آزمون‌های دو تفاوت معنی‌داری در زمینه میزان تحصیلات مادر و پدر کودکان دو گروه، هم‌چنین سن، سن مادر و تحصیلات والدین با یکدیگر نشان نداد.

1- psychosis

2- repeated measures design

3- least significant difference

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار سن کودکان و مادران آنها، هم‌چنین داده‌های آماری آزمون t در دو گروه مورد بررسی (n=100)

گروه‌ها	سن		بیشترین نمره	کمترین نمره	نمره t	df	سطح معنی‌داری
	میانگین	انحراف معیار					
کودکان مادران شاغل	۶/۱۱	۲/۱۶	۱۰	۳	۰/۰۸۲	۹۸	N.S.
کودکان مادران خانه‌دار	۶/۰۶	۱/۶۷	۹/۳	۳			
مادران شاغل	۳۲/۳	۴/۹۸	۴۱	۲۵	۱/۶۲۰	۹۸	N.S.
مادران خانه‌دار	۳۰/۱۰	۳/۲۳	۳۷	۲۴			

دارد، آزمون LSD به کار برده شد (جدول ۳). جدول ۳ نشان می‌دهد که شدت نیازهای پیشرفت، پرخاشگری، جبران، سلطه‌گری و ارایه و بیان از میان‌نُه نیاز دسته الف در دو گروه مورد بررسی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند. هم‌چنین شدت نیاز به اکتساب و شدت نیاز به سازندگی در کودکان مادران شاغل به‌طور معنی‌داری بیشتر از کودکان مادران خانه‌دار است. افزون بر این شدت نیاز به شهرت و شناخته‌شدن و شدت نیاز به فهمیدن در کودکان مادران خانه‌دار به‌طور معنی‌داری بیشتر از کودکان مادران شاغل است (جدول ۳).

بر اساس نتایج تحلیل پراکندگی تکرار سنجش، همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری بین میانگین کل نیازهای دسته الف کودکان مادران شاغل و خانه‌دار دیده نمی‌شود. تحلیل واریانس، شدت‌نُه نیاز دسته الف مورای را در دو گروه از نظر آماری معنی‌دار نشان داد. هم‌چنین نمره F مربوط به تعامل گروه‌ها با شدت نیازها (AB) نیز از نظر آماری معنی‌دار بود. از این رو می‌توان گفت که شدت پاره‌ای از نیازهای دسته الف کودکان مادران شاغل به‌طور معنی‌داری متفاوت از کودکان مادران خانه‌دار است. برای تعیین این که شدت کدام یک از نُه نیاز یادشده در کودکان مادران شاغل با کودکان مادران خانه‌دار تفاوت

جدول ۲- نتایج تحلیل پراکندگی تکرار سنجش شدت نُه نیاز کودکان مادران شاغل و خانه‌دار

منبع تغییرات	مجموع مجذورات (SS)	df	میانگین مجذورات (MS)	نمره F	سطح معنی‌داری
گروه‌ها (A)	۰/۱۴	۱	۰/۱۴	۰/۰۰۵	N.S.
خطاهای گروه‌ها	۱۰۶۲/۴	۳۸	۲۷/۹۶		
شدت نُه نیاز دسته الف (B)	۳۰۱۲/۵	۸	۳۷۶/۶	۱۶/۲	۰/۰۰۱
گروه × نیازهای دسته الف (AB)	۲۳۶۴/۲	۸	۲۹۵/۵	۱۲	۰/۰۰۱
خطای نیازها (B)	۷۰۹۶/۴	۳۰۴	۲۳/۳		

جدول ۳- بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین‌های نه‌نیاز دسته الف کودکان مادران شاغل و خانه‌دار با آزمون LSD (n=100)

نیازهای دسته الف	آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
۱- نیاز به پیشرفت	کودکان مادران شاغل	۳/۲۵	۶/۷۲	۰	۳۰	۰/۲۰۰	N.S.
	کودکان مادران خانه‌دار	۳/۰۵	۴/۱۱	۰	۱۵		
۲- نیاز به اکتساب	کودکان مادران شاغل	۱۳/۹۰	۵/۸۶	۵	۲۳	۸/۲۰۰	۰/۰۰۱
	کودکان مادران خانه‌دار	۵/۷۰	۵/۰۶	۰	۱۸		
۳- نیاز به پرخاشگری	کودکان مادران شاغل	۱۱/۴۵	۸/۲۷	۳	۳۱	۵/۲۵۰	۰/۰۵
	کودکان مادران خانه‌دار	۶/۲۰	۴/۸۷	۰	۱۶		
۴- نیاز به سازندگی	کودکان مادران شاغل	۶/۷۰	۴/۱۹	۰	۱۹	۵/۳۰۰	۰/۰۰۱
	کودکان مادران خانه‌دار	۱/۴۰	۱/۷۹	۰	۴		
۵- نیاز به جبران	کودکان مادران شاغل	۳/۶۵	۵/۷۹	۰	۱۹	۵/۰۵۰	۰/۰۵
	کودکان مادران خانه‌دار	۸/۷۰	۶/۲۳	۵	۲۹		
۶- نیاز به سلطه‌گری	کودکان مادران شاغل	۱/۸۰	۲/۶۹	۰	۷	۰/۲۵۰	N.S.
	کودکان مادران خانه‌دار	۱/۵۵	۲/۳۷	۰	۸		
۷- نیاز به ارایه و بیان	کودکان مادران شاغل	۱/۲۰	۱/۷۹	۰	۵	۰/۶۵۰	N.S.
	کودکان مادران خانه‌دار	۱/۸۵	۳/۷۷	۰	۱۵		
۸- نیاز به شهرت و شناخته شدن	کودکان مادران شاغل	۴/۵۵	۵/۴۴	۰	۱۷	۷/۳۰۰	۰/۰۰۱
	کودکان مادران خانه‌دار	۱۱/۸۵	۴/۹۸	۵	۲۳		
۹- نیاز به فهمیدن	کودکان مادران شاغل	۲/۶۰	۴/۴۲	۰	۱۷	۵/۸۵۰	۰/۰۰۱
	کودکان مادران خانه‌دار	۸/۴۵	۴/۰۶	۵	۱۷		

بحث

بهره‌وری آینده فرزندان تأثیر سودمند خواهد داشت (بلومبرگ^۴، ۱۹۹۸).

فرزندان والدین تحصیل کرده عموماً در تحصیل به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست می‌یابند. در این خانواده‌ها، زمینه سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش فرزندان به روش‌های گوناگون فراهم می‌شود. همه اعضای خانواده شرایطی را به وجود می‌آورند که جوان‌ترها با جدیت بیشتری درس بخوانند و در راستای پیشرفت تحصیلی بکوشند (روزنویگ^۵ و ولپین^۶، ۱۹۹۴). در خانواده‌هایی که مادران تحصیل کرده‌اند، میزان باروری زنان پایین‌تر است و کمتر گرفتار باروری ناخواسته می‌شوند (بکر^۷، ۱۹۸۱). مادران تحصیل کرده عموماً پویاترند. آنان تحرک، پویایی و مشارکت در امور اجتماعی را از کودکی به فرزندان خود می‌آموزند و افرادی مسئول و متعهد تربیت می‌کنند (شولتز^۱، ۱۳۷۶).

بررسی‌ها نشان داده‌اند که تحصیلات مادران، آثار پایا و گسترده‌ای بر پیشرفت کیفی فرزندان دارد (استراوس^۱ و بیگل^۲، ۱۹۹۶). هم‌چنین تأثیر میزان تحصیلات مادر در رشد و شکوفایی فرزندان بیشتر و مهم‌تر از میزان تحصیلات پدر است (بهرمن^۳، ۱۹۹۷).

در شرایط مساوی، زنان تحصیل کرده دوران بارداری را با سلامت بیشتری به پایان می‌رسانند و متوسط وزن نوزادان آنها بیشتر است. هم‌چنین درصد ماندگاری نوزادان آنها بالاتر و میزان ابتلای آنها به بیماری‌ها در نخستین ماه‌های زندگی کمتر است. مادران تحصیل کرده فرزندان خود را بهتر تغذیه می‌کنند. فرزندان آنها زودتر وارد مدرسه می‌شوند، مقاطع تحصیلی را با موفقیت بیشتری به پایان می‌رسانند و سال‌های بیشتری به تحصیل ادامه می‌دهند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که در شرایط مساوی، افزایش سطح تحصیلات مادران بیش از افزایش میزان تحصیلات پدران در سلامت، رشد تحصیلی و

1- Strauss

3- Behrman

5- Rosenzweig

7- Beker

2- Beegle

4- Blumberg

6- Wolpin

بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش‌های یادشده شاید به دلیل این که هر دو گروه مادران شاغل و خانه‌دار در این پژوهش از سطح تحصیلی تقریباً مشابهی برخوردار بودند، F مربوط به کل نیازهای دو گروه معنی‌دار نشده است.

از میان نیازهای دسته الف مورای در این جدول نیاز به اکتساب و سازندگی در کودکان مادران شاغل به‌طور معنی‌داری بیشتر از کودکان مادران خانه‌دار است. بر پایه تعریف مورای نیاز به اکتساب نیازی است که فرد را وامی‌دارد با تلاش بیشتری برای کسب پول و دارایی‌های مادی کار کند. در تحلیل این یافته می‌توان گفت که کودکان مادران شاغل، چون پدر و مادر خود را در حال کار کردن برای کسب درآمد می‌بینند ممکن است کسب درآمد و پویایی اقتصادی را به صورت الگوی مؤثری در زندگی برگزینند (شولتز، ۱۳۷۸).

بالا تر بودن شدت نیاز به سازندگی را در کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران خانه‌دار می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که شاید مادران شاغل آشنایی و تمرین بیشتری با سازمان دادن، ساختن و ایجاد کردن دارند و ممکن است این ویژگی‌ها را به صورت بارزتری در رفتار خود هنگام انجام مسئولیت‌های خانوادگی و فرزندپروری نشان دهند. از این رو ممکن است نیاز به سازندگی در فرزندانشان افزایش یابد. هم‌چنین «فرزندان مادران شاغل در مقایسه با فرزندان مادران خانه‌دار از خودبستگی، سازندگی و سازگاری اجتماعی بیشتری برخوردارند» (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۷۹).

در پژوهشی (داکت و ریچاردز، ۱۹۹۵) که در مورد ۵۵ کودک کلاس پنجم تا نهم مادران مطلقه، جداشده یا بیوه شاغل و خانه‌دار انجام شد، نشان داده شد که اشتغال مادر باعث اعتماد به نفس بالاتر، روحیه مثبت و سازنده‌تر و انگیزش بیشتر در فرزندان می‌شود. هم‌چنین نشان داده شد که شدت نیازهای شهرت و شناخته‌شدن و نیاز به فهمیدن در کودکان مادران خانه‌دار به‌طور معنی‌داری بیشتر از کودکان مادران شاغل است. در تبیین بالاتر بودن شدت نیاز به شهرت و شناخته‌شدن می‌توان گفت که کودکان مادران خانه‌دار بیشتر از کودکان مادران شاغل، در جستجوی تشویق، اعتبار، قدرشناسی یا توجه دیگران هستند و نیاز شدیدی دارند که با به نمایش گذاشتن ویژگی‌های برجسته خود، یا به خود بالیدن، خود را برجسته نشان دهند (مورای، ۱۹۴۳). بالا بودن شدت نیاز به فهمیدن در کودکان مادران خانه‌دار در مقایسه با

کودکان مادران شاغل بیان‌گر آن است که مادران خانه‌دار چندان پاسخگوی این نیاز در کودکان خود نبوده‌اند؛ زیرا بر پایه تعریف مورای (همان‌جا) نیاز به فهمیدن به تلاش برای کسب دانش و خرد، شرکت در بحث و استدلال برای افزایش دانش، کوشش برای هماهنگی بین اندیشه و واقعیت، تحلیل رویدادها و نتیجه‌گیری از آنها دلالت دارد. با توجه به این که در این پژوهش مادران شاغل و خانه‌دار از نظر سن و سطح تحصیلات به هم نزدیک بودند، به نظر می‌رسد که افزایش نیاز به شناخته‌شدن و فهمیدن بیانگر آن باشد که مادران خانه‌دار به‌رغم حضور بیشتر در خانه کمتر کودکانشان را در بحث و استدلال شرکت می‌دهند و کمتر از مادران شاغل از ویژگی‌های برجسته کودکانشان قدردانی می‌کنند.

هندرسون (۱۹۹۰) نیز در پژوهش خود نشان داد که فرزندان مادران شاغل برای انجام مسئولیت‌های شخصی بیشتر مورد تشویق و تأیید قرار می‌گیرند و برای برنامه‌ریزی انجام تکالیف و وظایف خود از انتخاب‌های بیشتری برخوردارند. افزون بر آن مادران شاغل زمان بیشتری را برای تفریحات سازنده و فکری فرزندانشان نسبت به زنان خانه‌دار اختصاص می‌دهند. نوجوانان دارای مادران شاغل، در مقایسه با نوجوانان دارای مادران خانه‌دار، از احساس ارزشمندی، سازگاری اجتماعی، احساس تعلق و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند و دختران نوجوان آنها مستقل‌تر و فعال‌ترند و در آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و هوشی نمرات بالاتری را به دست می‌آورند (هافمن، ۱۹۹۸).

با وجود این، در یک بررسی اثر اشتغال مادر بر رشد عاطفی کودکان معنی‌دار نبود (کارلسون^۱، اسپری و لوئیس، ۱۳۷۸). مادران شاغل دارای فرزندان مدرسه‌ای، به فرزندانشان خود استقلال بیشتری می‌دهند و این فرزندان دارای نگرش‌های برابری نسبت به دو جنس هستند و دختران زنان شاغل، مادران خود را به عنوان زنانی شایسته و کارآمد، الگوی بزرگسالی خود می‌دانند (همان‌جا).

در یک بررسی طولی تفاوت‌های میان ۴۰۰ نفر از نوجوانان ۱۰ تا ۱۵ ساله مادران شاغل و غیرشاغل که از نظر اقتصادی، اجتماعی، تک‌والدی یا دو‌والدی بودن و ملیت، ناهمگون بودند و مدت اشتغال مادران آنها بیشتر از سه سال بود، بررسی گردید. در آن بررسی، سنجش شاخص‌های رشد ادراکی، اجتماعی و عاطفی نتایج زیر را نشان داد: ۱- دختران مادران

شاغل دارای پیشرفت تحصیلی، موفقیت حرفه‌ای و تعهد حرفه‌ای بیشتری هستند. ۲- کودکان خانواده‌های تهی‌دست و تک‌والد (مادر بدون همسر)، از نظر وضعیت ادراکی، عاطفی و اجتماعی دارای امتیازات بالاتری هستند. ۳- کودکان مادران شاغل در آزمون‌های خواندن زبان و ریاضی امتیازهای بالاتری به دست می‌آورند (هافمن، ۱۹۹۸).

بررسی‌ها نشان داده‌اند زمانی که مادران شاغل هستند پدران در وظایف خانه و مراقبت از کودکان فعال‌تر می‌شوند و این امر موجب می‌شود که کودکان کنترل درونی بیشتری پیدا کنند، در آزمون‌های رشد هوش نمره‌های بالاتری به دست آورند و درباره نقش‌های جنسی دیدگاه قالبی کمتری داشته باشند (ماسن، ۱۳۷۶). در پژوهشی بر روی ۲۴۰ نوجوان دختر و پسر که شامل دو گروه ۱۲۰ نفری دارای مادران شاغل و مادران خانه‌دار بودند، مشخص شد که مکان کنترل در نوجوانان مادران شاغل درونی است و اشتغال مادران بر عزت نفس نوجوانان تأثیر مثبت دارد (ساختمانی زنوز، ۱۳۸۱).

در پژوهش حاضر می‌توان گفت از آن‌جا که متغیرهایی چون سن آزمودنی‌ها، سن، نوع شغل و میزان تحصیلات مادران آنها، میزان تحصیلات و وضعیت شغلی پدران آنها و هم‌چنین شمار فرزندان خانواده در دو گروه هم‌تاسازی شده بود، بنابراین تفاوت معنی‌دار شدت نیازهای دو گروه کودکان مورد پژوهش را می‌توان به اشتغال مادران آنها نسبت داد.

با آن‌که اشتغال مادران تأثیر مثبتی بر کودکان و خانواده دارد، اما از سوی دیگر برخی بررسی‌ها (هاستون و آرونسون، ۲۰۰۵؛ ریجسویگ و همکاران، ۲۰۰۴) نیز نشان دادند که اشتغال تمام وقت مادران، بهداشت روانی خانواده را کاهش می‌دهد. با وجود این، کار پاره‌وقت مادران نه تنها می‌تواند تعادلی بین پرداختن به کار و خانواده برقرار کند، بلکه با بالابردن روحیه مثبت در مادران باعث افزایش بهزیستی افراد خانواده می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود با شناور ساختن ساعات کار، امکان انجام دادن بخشی از کارهای اداری در منزل و گسترش بهره‌گیری از قانون کار نیمه‌وقت، به مادران شاغل در این زمینه کمک شود.

در این پژوهش مقایسه نیازهای دختران و پسران در دو گروه به‌خاطر پیچیده بودن پژوهش و شمار زیاد متغیرها امکان‌پذیر نگردید.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی جنسیت آزمودنی‌ها لحاظ گردد و تصور فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار نسبت به کلیشه‌ای و سنتی بودن یا نبودن نقش‌های جنسی مورد آزمون

قرار گیرد و محیط زندگی، نگرش خانواده به کودکان، شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده و شرایط روانی کودکان هنگام پاسخ به آزمون با هم‌تاسازی کنترل شوند.

سپاسگزاری

بدین وسیله از آقای مهندس محمدرضا سلیمی‌نیا که داده‌های پژوهش را پردازش نمودند، سپاسگزاری می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۷/۱۷؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۵/۱/۳۰؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۲/۴

منابع

اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریچارد س.؛ هیلگارد، ارنست ر. (۱۳۷۹). *زمینه روانشناسی*، ترجمه: محمدنقی براهنی، بهروز بیرشک، علی‌اکبر سیف، شکرآ... طریقتی، شهین علیایی‌زند، مهدی محی‌الدین و احمد محیط. تهران: انتشارات رشد.

بهرامی، هادی (۱۳۸۲). *کاربرد بالینی و تشخیصی آزمون‌های فرافکن شخصیت*. تهران: انتشارات آرمان.

دانش، عصمت (۱۳۸۰). *بررسی ساز و کارهای مناسب در ایجاد فرصت‌های اشتغال زنان در بخش‌های دولتی*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی و مرکز امور زنان ریاست جمهوری.

دانش، عصمت (۱۳۸۲). *اشتغال زنان و مسائل آنها از چشم‌اندازهای مختلف*. تهران: انتشارات دریای اندیشه.

ساختمانی زنوز، زهرا (۱۳۸۱). *بررسی و مقایسه اشتغال و عدم اشتغال مادران بر عزت نفس و منبع کنترل نوجوانان دختر و پسر سنین ۱۲-۸ سال*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت. دانشگاه آزاد کرج.

شولتز، دوان (۱۳۷۶). *بازده آموزش زنان، نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی*. ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

شولتز، دوان (۱۳۷۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه: یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بجزرانی و محمدرضا نیکخو. تهران: نشر اسبازان.

کارلسون، جی؛ اسپری، ر.؛ لويس، م. (۱۳۷۸). *خانواده درمانی - تضمین کارآمد*. ترجمه: شکوه نوایی نژاد. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات خانواده. انجمن اولیاء و مربیان.

مارنات، گری (۱۳۸۲). *راهنمای سنجش روانی برای روانشناسان بالینی، مشاوران و روانپزشکان*. ترجمه: حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: انتشارات رشد.

ملاحمدرحیمی، ه. (۱۳۸۰). *بررسی پیامد اشتغال برای زنان شاغل و فرزند اول آنها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه شیراز.

ماسن، هنری (۱۳۷۶). *رشد شخصیت کودک*. ترجمه: مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.

- Behrman, J. R. (1997). *Mothers schooling and child education*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Beker, G. S. (1981). *A treatise on the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Blumberg, R. L. (1998). Income under female versus male control, *Journal of Family Issues*, 9, 45-57.
- Burger, J. M. (2000). *Personality* (5th. ed.). New York: Brooks Publishing Company.
- Carver, C. S., & Scheier, M. F. (2000). *Perspectives on personality*. London: Allyn & Bacon.
- Duckett, E., & Richards, M. H. (1995). Maternal employment and the quality of daily experience for young adolescents of single mothers. *Journal of Family Psychology*, 9, 418-432.
- Henderson, Z. P. (1990). *Children of employed mothers aren't necessarily overburdened with housework*. Available on: Epnet.com.
- Hoffman, L. W. (1991). The influence of the family environment on personality: Accounting for sibling differences. *Psychological Bulletin*, 110, 187-203.
- Hoffman, L. W. (1998). *The effect of the mothers employment on the family and child*. Ann Arbor: University of Michigan Library.
- Huston, A. C., & Aronson, S. R. (2005). Mothers' time with infant and time in employment as predictors of mother-child relationships and children's early development. *Journal of Child Development*, 76, 467-482.
- Morgan, W. G. (1995). Origin and history of the Thematic Apperception Test images. *Journal of Personality Assessment*, 65, 237-252.
- Murray, H. A. (1943). *Thematic Apperception Test Manual*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- Rijswijk, K. V., Bekker, M. H., Rutte, C. G., & Croon, M. A. (2004). The relationships among part-time work, work-family interference, and well-being. *Journal of Occupational Health Psychology*, 9, 286-295.
- Rosenzweig, M. R., & Wolpin, K. J. (1994). Are there increasing returns to intergenerational production of human capital. *Journal of Human Resource*, 29, 202-215.
- Strauss, J., & Beegle, K. (1996). *Intra-household resource allocation, MSU international development*. East Lansing, Michigan: Michigan State University.
- Weinrau, M., Jaeger, E., & Hoffman, L. (1988). Predicting infant outcome in families of employed and nonemployed mothers. *Early Childhood Research Quarterly*, 3, 361-378.
- Zick, C. D., Bryant, W. K., & Österbacka, E. (2001). Mothers' employment, parental involvement, and the implications for intermediate child outcomes. *Journal of Social Science Research*, 30, 25-49.